

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

علی ناظر

۲۰ جنوری ۲۰۲۰



علی ناظر

لب ترک خوردگان

در گزارشات خبری آمده که ضارب دو قاضی جنایت پیشه یک آبدارچی ۳۱ ساله بوده است. نباید تعجب کرد.

لب ترک خوردگان شکل مبارزه و مقاومت را رقم می زنند.

وقتی «جنایت» روزانه قربانی می گیرد، و خلق ستمدیده روزانه تباهی خود و اطرافیانش را مشاهده می کند، سطح کفرخواهی و مقاومت علیه ظالم از سطح «مبارز انقلابی» به سطح «خلق ستمدیده» کشانده شده، و «مقاومت» شکل همگانی می گیرد.

«مقاومت» شاید پستی و بلندی بسیار داشته باشد و به درازا کشیده شود، اما همیشه «پیروز» میدان خواهد بود. جنایتکاران صهیونی طی ۱۵ ماه، انسان های غیر مسلح را به گلوله بستند، زیر آوار دفنشان کردند، به اسارت گرفتند و اجسادشان را از بلندای ویرانه ها به زیر پرتاب کردند؛ آب و غذا را به روی آنها بستند و کودکانشان را پیش چشمانشان پرپر کردند؛ پای پیاده، با لبانی خشک دائماً از این کمپ به آن کمپ کشاندندشان، اما نتوانستند «مقاومت» را در روح و روان آنها بخشکانند.

لب ترک خوردگان به زانو درنیامدند.

می توان بحث کرد که اسرائیل به لحاظ نظامی توانست حماس را به حداقل از توانائی نظامی برساند، اما نمی توان گفت که مردم ستمدیده غزه و فلسطین از پای نشستند و تسلیم شدند. شاید جمله "هیئات من الذله" در این نماد از «مقاومت»، معنای مشخص خود را پیدا کند.

شک ندارم که رسانه های وابسته به صهیون (مستقیماً و یا غیر مستقیم) پس از آزادی اسرای اسرائیلی، دست به یورش برای شست و شوی مغزی مخاطبان بزنند. اما اگر مغول از اذهان زوده شده، جنایات اسرائیل در ۱۵ ماه گذشته هم فراموش خواهد شد.

آنچه در ۱۵ ماه گذشته در غزه رخ داد، ۴۵ سال است که در ایران تکرار می شود.

۴۵ سال است که رژیم سفاک، خلقی ستمدیده را وادار به کوچ به دیگر نقاط جهان کرده و در داخل، دختران را تحت شدیدترین فشار های روانی و فیزیکی قرار داده است، اما «مقاومت» شیر زنان ایران لحظه به لحظه دشمن را یک گام به عقب می راند و مجبور به تسلیم می کند. ظاهراً، خشونت رژیم اسلامی، که نماد آن رازینی، مقیسه ای و لاجوردی هستند، می بایست نسل جوان را از «مقاومت» مأیوس می کرد، اما چنین نشد؛ سرکوب در گنبد و مهاباد و خیابان های مشهد و اصفهان و تبریز و تهران، حتی جنایت علیه بشریت در تابستان ۱۳۶۷ هم نتوانست دلهره ایجاد کند.

«مقاومت» مردم سلحشور ایران توانست تمامیت نظام را وادار به عقب نشینی کند تا به آن حد که مجلس فرمایشی اسلامی مجبور به بازپس گیری قانون حجاب شد. عقب نشینی پزشکین و تصمیمش به عملیاتی نکردن آن قانون نه از سر درک او از «آزادی و حقوق زن» بلکه از هراس نظام از «مقاومت» روزافزون مردم است.

مقاومت مردم غزه برای عقب راندن رژیم فاشیستی-مذهبی اسرائیل ۱۵ ماه طول کشید تا بالاخره راست ترین عضو دولت اسرائیل اذعان کرد که نمی تواند و باید تسلیم شود. در مقایسه با غزه، ایران سرزمینی پهناور است و برای پیروزی «مقاومت» مردمی، نمی توان نتیجه ای زودرس انتظار داشت، اما پیروزی محتوم است.

غزه پیروز شد، چرا که «مردم» در مرکز «مقاومت» نقش آفرینی کرد. این یک قانونمندی فراگیر است. تنظیم رابطه کانون های شورشی با مردم، برای ساماندهی و هماهنگ کردن خیزش های اجتماعی، اعتصابات کارگری، و تشدید اعتراضات شیر زنان، یک بایست می شود.

با خیزش مردم، گسترش اعتصابات و اعتراضات، و آغاز کیفر ظالمان بدون شک «اپورتونیست» های نظام را از صحنه خارج کرده، و میدان برای مصاف بین «خیر» و «شر» و «آخرین نبرد» آماده می شود.

به غزه بازگردم. جنایتکار، همیشه جانی و سفاک، و طینتش تغییر ناپذیر است. آنچه امروز رخ می دهد، تبادل اسرا، ورود کمک های بشردوستانه، ... همه و همه می توانند به نقطه اول بازگشته و جنگ افروزی و خونریزی مردم ستمدیده دوباره آغاز شود. نتانیاهو و ترمپ از هم اکنون زمینه را برای کشتار بعدی مهیا می کنند. ظلم، کشتار، و تباهی بدون شک به غزه و فلسطین بازمی گردد، تا بالاخره روزی برسد که فلسطین به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخته شود. تا آنروز، «مقاومت» ادامه خواهد داشت.

علی ناظر، ۱۹، ۲۰۲۵، ۲:۵۷